

حضرت اشرف

(زندگی سیاسی و خاطرات قوام السلطنه)



گردآوری، تحقیق و تدوین:

مسعود عطوفت شمسی



سرشناسه	: عطوفت شمسی، مسعود، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: حضرت اشرف : (زندگی سیاسی و خاطرات قوام السلطنه) / گردآوری، تحقیق و تدوین مسعود عطوفت شمسی و ایرستار منصوره علی زاده.
مشخصات نشر	: تهران : بدرقه جاویدان: برکه جاویدان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۹۶ص.
شابک	: 978-964-7736-17-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: زندگی سیاسی و خاطرات قوام السلطنه.
موضوع	: قوام السلطنه، احمد، ۱۳۳۴-۱۳۵۲. -- خاطرات
موضوع	: سیاستمداران ایرانی -- خاطرات
موضوع	: *Politicians, Iranian -- Diaries
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- خاطرات
موضوع	: Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1978 -- Diaries
رده بندی کنگره	: ۱۴۸۶DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۰۰۹۷۷



انتشارات جاویدان
انتشارات بدرقه جاویدان



انتشارات برکه جاویدان
انتشارات گنجینه عطوفت



۰۹۱۲-۳۹۶۳۷۴۲ ۰۲۱-۲۶۳۰۰۴۰۱

دفتر مرکزی

فیابان انقلاب، فیابان فروردین، کوچه نوز، پلاک ۲۶

تلفکس: ۰۶۶۴۱۱۵۰۸ - ۰۶۶۴۱۴۳۶۲ - ۰۶۶۴۰۴۴۴۹

فروشگاه

فیابان ولعصر، نبش فیابان دکتر فاطمی، انتشارات بدرقه جاویدان

تلفن: ۸۸۹۷۵۵۸۱-۴



انتشارات بدرقه جاویدان با همکاری انتشارات پراگه جاویدان

حضرت اشرف

(زندگی سیاسی و خاطرات قوام السلطنه)

گردآوری، تحقیق و تدوین: مسعود عطوفت شمسی

ویراستار	:	منصوره علی زاده
نمونه خوان و صفحه آرا	:	دیانا عطوفت شمسی
نوبت چاپ	:	اول ۱۴۰۱
شمارگان	:	۱۰۰ نسخه
چاپ و صحافی	:	امیرکبیر
قیمت	:	۲۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۳۶-۱۷-۶	:	ISBN: 978-964-7736-17-6

« کلیه حقوق محفوظ و مخصوص کتاب می باشد »

فهرست مطالب

۱۳.....	سخن مؤلف و ناشر.....
۱۵.....	پیشگفتار.....
۱۶.....	دوران سلطنت آغا محمد خان قاجار (۱۱۵۵-۱۲۱۱ ه‍.ق).....
۱۶.....	دوران سلطنت فتحعلی شاه (۱۱۷۶-۱۲۱۳ ه‍.ش).....
۱۷.....	دوران سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۱۳-۱۲۲۷ ه‍.ش).....
۱۷.....	دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۲۷-۱۲۷۵ ه‍.ش).....
۱۸.....	دوران سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۲۷۵-۱۲۸۵ ه‍.ش).....
۱۹.....	دوران سلطنت محمدعلی شاه قاجار (۱۲۸۵-۱۲۸۸ ه‍.ش).....
۲۰.....	دوران سلطنت احمدشاه قاجار (۱۲۸۸-۱۳۰۴ ه‍.ش).....
۲۷.....	قرارداد ۱۹۱۹ م ایران و انگلیس (۱۱ دی‌مسنه ۱۳۲۷ ه‍.ق).....
۲۸.....	نهضت جنگلی‌ها.....
۲۹.....	کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹ ه‍.ش.....
۳۷.....	ماجرای قتل ماژورایمبری.....
۳۹.....	پادشاهی رضا شاه پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ه‍.ش).....
۴۳.....	رضا شاه و تشکیل پلیس سیاسی.....
۴۴.....	کشف شبکهٔ کمونیستی.....
۴۴.....	رضاشاه و قرارداد نفت.....
۴۵.....	مسافرت رضاشاه به ترکیه.....
۴۷.....	پیمان سعدآباد.....
۴۷.....	وصلت ولیعهد با دختر ملک فؤاد.....
۵۰.....	رضاشاه در زمان ۱۶ سال سلطنت خود کارهایی انجام داد، از جمله.....
۵۱.....	محمد رضا شاه پهلوی، دومین و آخرین پادشاه خاندان پهلوی.....
۶۵.....	دکتر مصدق و دادگاه لاهه.....
۶۷.....	کودتای ناموفق علیه دکتر مصدق.....
۶۷.....	ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی.....
۶۹.....	سپهبد زاهدی و تشکیل دولت کودتا.....

۷۳	مقدمه
۹۹	خطری که از سر ایران گذشت
۱۰۳	اصل و نسب قوام السلطنه
۱۰۴	محمد تقی قوام الدوله آشتیانی
۱۰۵	میرزا محمد خان قوام الدوله
۱۰۵	میرزا ابراهیم معتمد السلطنه
۱۰۷	احمد قوام السلطنه
۱۰۸	قوام السلطنه منشی صدر اعظم
۱۰۹	مسافرت قوام السلطنه به اروپا
۱۰۹	قوام السلطنه وزیر رسائل
۱۱۰	قوام السلطنه رئیس دفتر اختصاصی شاه
۱۱۱	قوام السلطنه همراه و در کنار مشروطه خواهان و مجاهدین
۱۱۳	قوام و معاونت ۲ وزارتخانه
۱۱۴	قوام السلطنه وزیر جنگ
۱۱۴	شهادت سید عبدالله بهبهانی
۱۱۵	وزیر جنگ و خلع سلاح مجاهدین
۱۱۶	قوام السلطنه وزیر ۶ روزه عدلیه
۱۱۷	قوام السلطنه وزیر داخله مصمص السلطنه
۱۱۸	تشکیل ژاندارمری توسط قوام السلطنه
۱۱۹	مصمص السلطنه و وزیران او
۱۲۰	قوام السلطنه وزیر مالیه علاء السلطنه
۱۲۱	قوام السلطنه و کاندیدای فرمانروایی آذربایجان
۱۲۲	پیشنهادهات قوام السلطنه در مورد آذربایجان
۱۲۳	دوستی تیمورتاش، قوام السلطنه و هاشم میرزا افسر
۱۲۶	چهارمین رئیس الوزرای مستوفی الممالک و فرمانروایی کل خراسان و سیستان برای قوام السلطنه
۱۲۷	قوام السلطنه و تأسیس ژاندارمری و نظمی در مشهد
۱۲۷	قوام السلطنه و تشکیل گارد مخصوص والی
۱۲۸	قوام السلطنه و دستور خرید پنج هزار قبضه تفنگ از بریتانیا
۱۳۰	قوام السلطنه و مجازات شدید برای شراب خواری
۱۳۱	قوام السلطنه و بازسازی آرامگاه فردوسی
۱۳۱	عزل قوام السلطنه از فرمانروایی کل خراسان و سیستان توسط احمد شاه

۱۳۳.....	انتخابات دوره چهارم در مشهد و نمایندگی قوام السلطنه.....
۱۳۴.....	قوام السلطنه و اجاره داری آستان قدس.....
۱۳۵.....	کلنل محمد تقی خان پسیان و ریاست ژاندارمری خراسان.....
۱۳۸.....	دولت کودتا (دولت سید ضیاء الدین طباطبایی).....
۱۴۴.....	دستور بازداشت قوام السلطنه توسط سید ضیاء.....
۱۵۰.....	قوام السلطنه در زندان عشرت آباد.....
۱۵۱.....	دولت قوام السلطنه.....
۱۵۹.....	قوام السلطنه و افتتاح دوره چهارم مجلس شورای ملی.....
۱۵۹.....	قوام السلطنه و مشکلات پیش رو.....
۱۶۱.....	قوام السلطنه و سرکوب جنبش امیر مؤید سوادکوهی.....
۱۶۳.....	قوام السلطنه و سرکوب ساعد الدوله تنکابنی.....
۱۶۵.....	سرکوب میرزا کوچک خان جنگلی و ختم ماجرای جنگل.....
۱۶۷.....	در کتاب تیمورتاش در صحنه سیاسی ایران آمده است.....
۱۷۰.....	سرکوب قیام کلنل محمد تقی خان پسیان و انقلاب خراسان.....
۱۷۷.....	ختم غائله محمد تقی خان پسیان و عفو عمومی.....
۱۷۷.....	این سربریده بینی بی جرم و بی جنایت، سر محمد تقی خان پسیان است.....
۱۷۸.....	با خون من روی کفم بنویسید وطن.....
۱۸۰.....	دولت قوام السلطنه و درخواست اختیارات جدید برای وزیر مالیه.....
۱۸۱.....	مدافعات دکتر مصدق وزیر مالیه.....
۱۸۲.....	مخالفت سید محمد تدین با طرح پیشنهادی دکتر مصدق.....
۱۸۷.....	مخالفت مجدد سید محمد تدین با لایحه بودجه.....
۱۸۸.....	سقوط دولت اول قوام السلطنه و نطق دکتر مصدق.....
۱۹۱.....	قوام السلطنه و تشکیل قشون متحدالشکل.....
۱۹۳.....	دولت مشیر الدوله.....
۱۹۶.....	دومین دولت قوام السلطنه.....
۲۰۰.....	قوام السلطنه و دومین رئیس الوزرائی (۲).....
۲۰۰.....	قوام السلطنه و اعلامیه‌ای درباره مطبوعات.....
۲۰۴.....	قوام السلطنه و مبارزه علنی با سردار سپه.....
۲۰۴.....	معتمد التجار و حمله به سردار سپه.....
۲۰۹.....	قوام السلطنه و امتیاز نفت شمال.....
۲۱۲.....	سقوط دولت دوم قوام السلطنه.....

۲۱۳.....	مجلس چهارم و نمایندگی دوباره قوام السلطنه
۲۱۴.....	دولت مستوفی الممالک.....
۲۱۷.....	قوام السلطنه و حمله به مستوفی الممالک و دفاع از خود و متیر الدوله.....
۲۱۹.....	دولت مشیر الدوله.....
۲۲۲.....	بازگشت احمد شاه به تهران و آغاز توطئه بر ضد قوام السلطنه.....
۲۲۳.....	انتخابات دوره پنجم و نمایندگی قوام السلطنه، شیخ علی مدرس و مصدق السلطنه.....
۲۲۴.....	بازداشت و تبعید قوام السلطنه.....
۲۲۴.....	بیانیه وزارت جنگ.....
۲۲۵.....	سیر وقایع توقیف و تبعید قوام السلطنه.....
۲۲۹.....	دولت سردار سپه.....
۲۳۹.....	قوام السلطنه و تبعید به اروپا.....
۲۴۱.....	تبعید رضاشاه و بازگشت قوام السلطنه به میدان سیاست.....
۲۴۲.....	حضرت اشرف و مجلس سیزدهم.....
۲۴۴.....	دولت سوم قوام السلطنه.....
۲۴۹.....	قوام السلطنه و سومین رئیس الوزرائی.....
۲۵۳.....	قوام السلطنه و محمدرضا شاه پهلوی.....
۲۵۴.....	قوام السلطنه و اعلام حکومت نظامی.....
۲۵۵.....	قوام السلطنه و مشاجره با علی دشتی.....
۲۵۶.....	قوام السلطنه و وقایع ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ه. ش.....
۲۵۸.....	قوام السلطنه و توقیف تمام جراید و بازداشت مدیران آنها.....
۲۵۸.....	مقصر وقایع ۱۷ آذر قوام بود یا محمد رضا شاه؟.....
۲۶۰.....	قوام السلطنه و وضع قانون اختناق مطبوعات.....
۲۶۲.....	قوام السلطنه بعد از وقایع ۱۷ آذر ۱۳۲۱ ه. ش و ترمیم کابینه دولت.....
۲۶۲.....	سقوط دولت سوم قوام السلطنه.....
۲۶۳.....	چهارمین نخست وزیری قوام السلطنه.....
۲۶۹.....	دولت چهارم قوام السلطنه.....
۲۸۴.....	شکایت ایران از شوروی در شورای امنیت.....
۲۸۵.....	انتخاب مظفر فیروز به عنوان معاون سیاسی نخست وزیر (۲).....
۲۸۶.....	نخستین اعلامیه قوام السلطنه درباره آزادی احزاب و مطبوعات.....
۲۸۷.....	سیاست جدید قوام برای خنثی ساختن مخالفین در مجلس.....
۲۸۸.....	دکتر مصدق و نطق مهمش در روز ۲۳ بهمن ۱۳۲۴ ه. ش در مجلس شورا.....

۲۸۹.....	گله دکتر مصدق از تظاهر بی موقع درباره ناطقین شورای امنیت
۲۹۰.....	دکتر مصدق و صحبت درباره تقی زاده و سوابق او
۲۹۱.....	دکتر مصدق و اعتراض به انتخاب علی سهیلی
۲۹۲.....	قوام السلطنه و معرفی وزیرانش به مجلس شورای ملی و شاهنشاه
۲۹۳.....	قوام السلطنه پس از معرفی هیئت وزیران به مجلس شورای ملی، نطق کوتاهی ایراد نمود
۲۹۳.....	پشتیبانی مردم از قوام السلطنه
۲۹۴.....	قوام السلطنه و برکناری عده‌ای از مقامات لشکری و کشوری
۲۹۴.....	دکتر مصدق و تلاش برای جلوگیری از فترت
۲۹۵.....	جلسه هفتم اسفند ۱۳۲۴ ه. ش و ایراد نطق دکتر مصدق
۲۹۶.....	جلسه ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ ه. ش مجلس شورای ملی
۲۹۸.....	قوام السلطنه و مسافرت به مسکو
۳۰۲.....	قهر قوام السلطنه و ضیافت شام استالین
۳۰۴.....	خروج نیروهای نظامی انگلیس از ایران و اعتراض به جماهیر شوروی
۳۰۶.....	ایران از قوای اتحاد جماهیر شوروی و شورای امنیت تخلیه می‌شود
۳۰۸.....	بازداشت سید ضیاء الدین طباطبائی در فروردین ۱۳۲۵ شمسی
۳۰۹.....	اعلامیه دولت درباره مذاکرات و توافق با دولت شوروی
۳۰۹.....	موافقت نامه قوام السلطنه با سادچیکف درباره شرکت نفت ایران و شوروی
۳۱۰.....	تخلیه ایران از ارتش اتحاد جماهیر شوروی
۳۱۱.....	قوام السلطنه روز ۲۸ فروردین تلگراف ذیل را به ژنرال یسم استالین مخابره کرد
۳۱۱.....	پاسخ استالین نخست وزیر دولت اتحاد جماهیر شوروی به نخست وزیر ایران
۳۱۲.....	بازداشت مخالفین دولت شوروی و حزب توده ایران
۳۱۲.....	بازداشت سرلشکر حسن ارفع
۳۱۲.....	بازداشت میرزا کریم خان رشتی
۳۱۴.....	قوام السلطنه و مذاکره با سید جعفر پیشه‌وری
۳۱۴.....	بازیگران فرقه دمکرات را بهتر بشناسید
۳۱۵.....	ورود سید جعفر پیشه‌وری به تهران
۳۱۶.....	کابینه پیشه‌وری
۳۱۶.....	اعلامیه حضرت اشرف درباره مذاکرات آذربایجان
۳۱۸.....	سید جعفر پیشه‌وری (نخست وزیر فرقه)
۳۲۸.....	قوای شوروی و تخلیه کامل ایران
۳۲۹.....	قوام السلطنه و تشکیل حزب آزادی

- قوام السلطنه و تشکیل حزب دموکرات ایران ۳۳۰
- قوام السلطنه و سازمان جاسوسی کسب خبر ۳۳۲
- قوام السلطنه و خوزستان در اعتصاب و خونریزی ۳۳۳
- بازداشت آیت الله کاشانی در قضیه سمنان ۳۳۴
- توطئه اعلام خود مختاری در اصفهان و خوزستان ۳۳۵
- پاسخ قوام السلطنه به تلگراف مظفر فیروز ۳۳۷
- سرکشی و طغیان عشایر جنوب ۳۴۱
- اعزام سر لشکر زاهدی توسط قوام السلطنه به فارس ۳۴۵
- قوام السلطنه و سقوط کابینه ائتلافی ۳۴۶
- قوام السلطنه و تشکیل کابینه جدید، اخراج امیر احمدی وزیر جنگ از کابینه و جایگزینی محمود جم ۳۵۳
- قوام السلطنه و مجلس پانزدهم ۳۶۲
- رد مقاله نامه نفت بین ایران و شوروی و زمزمه سقوط دولت قوام السلطنه ۳۶۶
- اقدام محمدرضا شاه برای خارج ساختن قوام از صدارت ۳۶۸
- قوام السلطنه، مخالفین و موافقین چهارمین کابینه دولتش ۳۶۹
- دولت حکیم الملک (۶ دی ۱۳۲۶ تا ۲۵ خرداد ۱۳۲۷ ه. ش) ۳۷۲
- دولت هژیر (۲۷ خرداد تا ۲۵ آبان ۱۳۲۷ ه. ش) ۳۷۷
- هژیر کیست؟ ۳۷۷
- استقبال با شکوه مردم از حضرت اشرف قوام السلطنه پس از بازگشت به تهران ۳۷۹
- دولت ساعد (۱۷ آذر ۱۳۲۷ تا ۲ فروردین ۱۳۲۹ ه. ش) ۳۸۵
- دولت منصور الملک (۱۴ فروردین تا ۶ تیر ۱۳۲۹ ه. ش) ۳۹۱
- دولت رزم آرا (۶ تیر تا ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ه. ش) ۳۹۵
- دولت علا (۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ه. ش) ۴۰۴
- علا کیست؟ ۴۰۵
- دولت دکتر مصدق (۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ تیر ۱۳۳۱ ه. ش) ۴۰۸
- دکتر مصدق کیست؟ ۴۰۹
- آیت الله کاشانی کیست؟ ۴۰۹
- پنجمین دولت قوام السلطنه (۲۸ تا ۳۱ تیرماه ۱۳۳۱ ه. ش) ۴۲۶
- دولت دکتر مصدق (۳۱ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش) ۴۴۹
- دولت زاهدی (کابینه کودتا) (۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۸ اسفند ۱۳۳۳ ه. ش) ۴۷۸
- فضل الله زاهدی کیست؟ ۴۷۹
- فهرست منابع ۴۹۳

چو ایران نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
سراسر همه تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

فردوسی نامدار



سخن مؤلف و ناشر

کتاب **حضرت اشرف** کتابی است که از زندگی سیاسی و خاطرات مردی روایت می‌کند که به جرأت و با دلیل و برهان می‌توان گفت: او یکی از نوابغ تکرار نشدنی سیاست یک قرن اخیر کشورمان بود.

حضرت اشرف دارای ۲ نوع شخصیت متضاد و متمایز بود: مردی متواضع و البته مستبد در سیاست، بذله گو، خود خواه و سنگدل، خوش وعده و صمیمی، وطن پرست، سرسخت و شجاع، بی‌گذشت، بسیار متفرعن و سیاست مداری ورزیده، پخته، بزرگ و ... بود. این ضرب المثل که «تفرقه بینداز و حکومت کن» همیشه مدنظر او بود. پیوسته به سیستم جاسوسی و خبرچینی خود اعتماد و اعتقاد داشته و در تمام طبقات حکومتی دارای مزدوران و جاسوسان قابلی بوده است.

حضرت اشرف در مسائل سیاسی شمی قوی داشت. هیچگاه در برابر خارجی‌ها احساس حقارت نکرد، هرگز تسلیم و از میدان مبارزه خارج نشد و سر تعظیم فرود نیاورد. صاحب نظر و متجدد بود. به اصول دموکراسی اعتقاد داشته و در راه استقرار و برقراری مشروطه بسیار کوشید، با رضاشاه و ولیعهدش محمدرضا جنگید و تا آخر عمر وفادار و طرفدار مشروطه بود. مردی بذال، خراج و متمول بود. از پیشکش گرفتن و پیشکش دادن خوشش می‌آمد و همیشه به این آداب و رسوم کهن ایرانی احترام گذاشته و عمل می‌کرد...

در ابتدای کتاب با اشاره مختصری از چگونگی روی کار آمدن و به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهان و نوادگان بعد از او و همچنین چگونگی انقراض پادشاهی قاجار و روی کار آمدن رضاشاه و شروع سلسله پهلوی و بعد از آن گذری بر خاطرات و زندگی نامه حضرت اشرف قوام السلطنه پرداخته و در پایان به طور مختصر به چند نخست وزیر بعد از آن نیز می پردازد. با وجود چاپ کتب ارزشمند فراوان به قلم نویسندگان توانمند کشورمان درباره این نابغه سیاست معاصر، بازهم خوانندگان، دانشجویان و دوستداران تاریخ معاصر ایران به دنبال کتاب جدیدی از این سیاستمدار ورزیده و بزرگ دوران قاجاریه و پهلوی بوده و می باشند. بر آن شدم تا با گردآوری، تدوین، تحقیق و نظم دادن به مقالات، کتب و تألیفات متعدد در مورد این اسطوره سیاست، قدمی کوچک در راهی بزرگ برداشته و امیدوارم توانسته باشم با چاپ این کتاب مختصری از زندگانی حضرت اشرف را برای خوانندگان گرامی و عزیز روشن نمایم. هرچند در کارنامه حضرت اشرف قوام السلطنه نقاط سیاه و تیره وجود دارد، ولی مزایای کاری و سیاسی و امتیازاتی که این بزرگ مرد برای ایران بزرگ (باز پس گیری آذربایجان عزیز که پاره تن کشور بود) برجای گذاشت بر کسی پوشیده نبوده و مزایای کاری اش بسیار بیشتر از آن نقاط تیره و سیاهش می باشد.

به امید تکرار، ظهور و طلوع چنین مردان با غیرت و وطن پرست در کشور عزیزمان.

مسعود عطوفت شمسی

مدیر انتشارات برکه جاویدان



بمرد از تهیدستی آزاد مرد
ز پهلوی مسکین شکم پر نکرد
سعدی



پیشگفتار

دوران سلطنت پادشاهان قاجار برای کشور ما مشکلات فراوانی به بار آورد و به سبب بی‌لیاقتی، عیاشی، زن‌بارگی و تن‌پروری فرد فرد آنان، چند قسمت مهم از خاک کشور ایران مانند: افغانستان، ارمنستان، گرجستان، تاجیکستان، داغستان، (۱۷ شهر فققر) و قسمتی از بلوچستان، آذربایجان و قسمتی از حدود خوارزم و خیوه و ترکمنستان و ازبکستان، همچنین تاشکند، سمرقند، بخارا (محل مقبره شاه اسماعیل سامانی) از خاک ایران جدا شد و تحت سلطه روسیه تزاری و انگلیس درآمد. این حاتم بخشی‌ها به موجب عهدنامه گلستان و قرارداد ترکمانچای بین روسیه تزاری و ایران در عهد سلطنت فتحعلی شاه قاجار و به دنبال آن معاهده پاریس (سال ۱۲۷۳ هـ.ق)، و معاهدات و قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و ۱۹۱۹ میلادی بین انگلیس و ایران انجام شد که نزدیک بود کشور ایران بین روسیه تزاری و انگلیس تقسیم شود.

در دوران قاجاریه رقابت بین روسیه تزاری و انگلیس از هر جهت در ایران افزایش یافته بود، تا جایی که دو دولت مقتدر، به موجب قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ میلادی کشور ایران را بین خود تقسیم کرده بودند. اما در بحبوحه جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴ میلادی) اوضاع داخلی روسیه تزاری زیر و رو شد و در آنجا دولت بلشویکی لنین روی کار آمد و دولت جدید روسیه در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ م (اول ربیع الثانی ۱۳۲۶ هـ.ق) قراردادهای فوق را لغو کرد. اما پس از آن دولت انگلیس در ایران بدون رقیب ماند و بعدها توانست قرارداد ننگین ۱۹۱۹ میلادی (شوال ۱۳۳۷ هـ.ق) را در زمان پادشاهی احمدشاه قاجار با وثوق‌الدوله نخست وزیر منعقد کند و بدین ترتیب بود که کلیه امور نظامی و مالی و گمرکی ایران منحصرًا تحت نفوذ انگلیس قرار می‌گرفت. به همین دلیل بعضی از

دولت‌ها از جمله آمریکا و فرانسه به دولت انگلیس اعتراض کردند و خوشبختانه سازمان ملل که تازه تأسیس یافته بود این قرارداد را به رسمیت نشناخت و در ایران نیز جمعی از آزادیخواهان و دولتمردان وطن پرست و روزنامه نگاران، بر ضد آن قیام کردند و عاقبت قرارداد فوق با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ هـ توسط سید ضیاء الدین طباطبایی لغو گردید.

اغلب پادشاهان قاجار در پی رحمی و ظلم و ستم، همانند چنگیز و تیمور بودند، چنانچه سر سلسله آنان.

دوران سلطنت آغا محمد خان قاجار (۱۱۵۵-۱۲۱۱ هـ.ق)



پس از قلع و قمع خاندان زند و قتل فجیع و شنیع لطفعلی خان زند در سال ۱۲۰۹ هـ.ق در صورتی که از کریم خان زند محبت‌های بسیار دیده بود، با کینه و عنادی که در نهاد خود داشت، در شهرهای مختلف ایران مانند کرمان و شیراز، حبش‌های زیادی از مردم بی گناه را به بهانه کمک آنان به لطفعلی خان زند، کور کرد و عده زیادی را کشت و از سرهای آنان منارها بر پا ساخت.

این مرد کینه توز و بی عاطفه، که عمری از خوان نعمت کریم خان زند بهره مند شده بود، بر اثر طینت کثیفی که داشت به مرده کریم خان زند هم رحم ننمود و نبش قبر کرد و استخوانهای

کریم خان را از قبر بیرون آورد و در زیر پله‌های قصر خویش در تهران مدفون نمود، تا هر روز از روی آنها عبور کند و عاقبت هم این مرد سفاک به دست چند نفر از ملازمان خود در ذیحجه ۱۲۱۱ هـ.ق به قتل رسید.

درباره سلطنت ۱۳۵ ساله سلسله قاجاریه در ایران می‌توان کتاب‌های بسیاری نوشت، چرا که دوران شوم و فلاکت بار سلسله متفور قاجاریه که اصالتاً ایرانی هم نبوده‌اند، یکی از ننگین‌ترین دوران تاریخ ایران و حتی باعث سرشکستگی هر ایرانی است.

دوران سلطنت فتحعلی شاه (۱۱۷۶-۱۲۱۳ هـ.ش)



دومین پادشاه سلسله قاجار فتحعلی‌شاه بود که پیش از سلطنت باباخان نام داشت. این پادشاه بسیار طماع و پول دوست و زن باره بود تا جایی که بعضی از مورخین تعداد همسران او را تا ۱۵۸ نفر و اولادها و نوه‌های او را هم تا هزار نفر نوشته‌اند. او رکورددار زاد و ولد در تاریخ حاکمان جهان است. مدت سلطنت

نکبت بار او ۳۸ سال بود و در زمان سلطنت او بود که قراردادهای شوم گلستان و ترکمانچای با روسیه تزاری منعقد شد و قسمت زیادی از خاک ایران از این کشور جدا گردید.

دوران سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۱۳-۱۲۲۷ هـ.ش)



سومین پادشاه قاجار ملقب به محمدشاه غازی، پسر عباس میرزا نایب السلطنه و نوه فتحعلی‌شاه بود که ابتدا وزارت خود را به ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳ - ۱۲۵۱ هـ.ق) داد. قائم مقام با درایت و کاردانی که داشت با جنگ بین روسیه تزاری و ایران مخالف بود و عاقبت با سعایت شاهزادگان و دولتمردان نادان، مخصوصاً حاج میرزا آقاسی معلم محمدشاه از کار برکنار شد و به قتل رسید. یکی دیگر از سیاستمداران و اصلاح طلبان این دوران، حسنعلی خان امیر نظام گروسی می‌باشد.

در زمان نکبت‌بار محمدشاه قاجار بود که ایران سرزمین‌های شمال و خاور خراسان کنونی را از دست داد.

دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۲۷-۱۲۷۵ هـ.ش)



چهارمین پادشاه قاجار پسر محمدشاه که در ۱۴ سالگی به پادشاهی رسید، ناصرالدین شاه بود که در ابتدا میرزا تقی خان امیرکبیر را به صدرات برگزید و عاقبت هم با سخن چینی و بخل و حسادت معاندین، امر به قتل امیر داد و نگذاشت کارهای این مرد بزرگ به ثمر برسد. در زمان ناصرالدین شاه بود که افغانستان توسط انگلیسی‌ها از خاک ایران جدا و مستقل گردید.

بعد از قتل امیرکبیر چند نفر از اصلاح طلبان و روشنفکران به فکر افتادند تا ناصرالدین شاه را با مبانی فرهنگ و سیر تمدن اروپا آشنا سازند. از جمله این اشخاص، میرزا علی‌خان امین الدوله،

صدراعظم مصلح ناصرالدین شاه بود که در ترویج معادن و ایجاد کارخانه‌ها کوشید. پس از او نیز میرزا حسین‌خان سپهسالار (۱۲۴۱ - ۱۲۹۸ هـ.ق) ملقب به مشیرالدوله که او هم صدراعظم ناصرالدین شاه و از رجال نیک‌نام و اصلاح طلب بود. سپهسالار برای آشنا شدن و آگاهی ناصرالدین شاه از تمدن فرنگ، ناصرالدین شاه را به اروپا برد و همین سفر هم تا اندازه‌ای در افکار و عقاید

ناصرالدین شاه مؤثر افتاد. مدرسه سپهسالار و عمارت بهارستان (مجلس شورای ملی) از بناهای سپهسالار است.

ناصرالدین شاه چند سفر به خارج ایران رفت و مجبور شد مخارج این سفرها را از بانکهای خارجی قرض کند و در قبال همین قروض بود که چند امتیاز از جمله امتیاز بانک شاهی را به مدت ۶۰ سال به یک انگلیسی به نام پاول رویتر داد، که حق انتشار اسکناس هم به همین بانک واگذار شده بود. همچنین حق امتیاز انحصاری خرید و فروش و تهیه تنباکو و توتون و انفیه را نیز توسط میرزا علی اصغرخان اتابک به مازور تالوت صاحب کمپانی رژی به مدت ۵۰ سال واگذار کرد که با مخالفت علما و تجار و بعضی از رجال ایران مواجه شد و از طرف میرزای شیرازی و حاج میرزا حسن آشتیانی حکم تحریم دخانیات صادر گردید و دولت مجبور شد قرارداد را لغو کند و ۵۰۰ هزار لیره غرامت نیز به آن کمپانی داده شد.

حکومت استبدادی ناصرالدین شاه و ظلم و جور حکام بر مردم مستضعف، بالاخره موجب شد که ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی از مریدان سید جمال الدین اسد آبادی در ۱۷ ذیقعدة ۱۳۱۳ هـ قتل برسد.

هوران سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۲۷۵-۱۲۸۵ هـ.ش)

پنجمین پادشاه قاجار، پسر ناصرالدین شاه، در ۴۰ سالگی به پادشاهی رسید. این پادشاه هم مانند پدرش ناصرالدین شاه چند سفر به اروپا رفت و قروض و هزینه بسیاری بر دوش ملت گذاشت. بنابراین ناچار شد برای تأمین مخارج سفرهایش توسط امین السلطان از روسیه قرض کند و در عوض آن حق گمرک شمال و شیلاب بحر خزر را به روسها واگذار کرد. بار دیگر در مقابل قرضی که از انگلیسیها دریافت کرد، عواید گمرک جنوب را هم به آنها داد. در نتیجه این ولخرجیهای بیهوده، مملکت دچار قروض بسیار و مردم در آستانه فقر و کمبود ارزاق و مایحتاج زندگی قرار گرفتند.



همچنین در زمان این پادشاه بود که در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۰۷ م (رجب ۱۳۲۵ هـ) قراردادی بین روسیه تزاری و انگلیس منعقد شد به نام قرارداد ۱۹۰۷. در این قرارداد کشور ایران به سه منطقه تقسیم گردیده بود: **اول** منطقه نفوذ روسیه واقع در شمال، خطی که از قصر شیرین، اصفهان، یزد، و خواف می‌گذشت و به محل تلاقی مرزهای ایران و روسیه و افغانستان منتهی می‌شد. **دوم** منطقه نفوذ انگلیس که عبارت بود از جنوب شرقی ایران در شمال خط واصل بین

بندرعباس، کرمان و بیرجند به مرز افغانستان. سوم منطقه بی طرف که مشتمل بر بقیه خاک ایران بود. اما به علت تغییر رژیم روسیه تزاری در جنگ جهانی اول، قرارداد فوق کان لم یکن گردید.

بیماری و ضعف نفس مظفرالدین شاه از یک طرف و آشفتگی اوضاع کشور از طرف دیگر، سرانجام در اثر فشار و اصرار جوانان و درباریان اروپا رفته و به اهتمام میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدر اعظم شاه که بعداً اولین نخست وزیر دوران مشروطیت شد، مظفرالدین شاه، عاقبت فرمان مشروطیت را صادر کرد و پس از چند روز وفات یافت. جنازه او را به عتبات بردند.

دوران سلطنت محمدعلی شاه قاجار (۱۲۸۵-۱۲۸۸ هـ.ش)

ششمین پادشاه قاجار، پسر مظفرالدین شاه که مخالف مشروطیت بود و در زمان ولیعهدی و پس از آن بسیاری از آزادی خواهان از جمله، میرزا آقاخان گرمانی، شیخ احمد روحی، خبیر الملک، میرزا جهانگیر خان شیرازی (مدیر روزنامه صوراسرافیل)، سید جمال الدین واعظ، ملک التکلمین را به بدترین وضع به قتل رساند.



زمانی هم که به سلطنت رسید با این که در زمان پدرش در مجلس به اساس دولت مشروطه و ابقای آن قسم یاد کرده بود، به مخالفت با مشروطیت برخاست و وقتی مشروطه طلبان و وکلا در

مجلس متحصن شدند، توسط کلنل لیاخوف روسی فرمانده نیروی قزاق ایران، مجلس را به توپ بست که بسیاری از آزادی خواهان کشته و یا زخمی و تبعید شدند. (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هـ.ق). این اقدام او به نام استبداد صغیر معروف شده است، که در آن ۳۰۰ نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند و سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از زعمای مشروطه نیز تبعید گردیدند. اما این استبداد دوامی نیافت و آزادی خواهان و مشروطه طلبان شهرهای مختلف ایران به مخالفت و مقاومت برخاستند.

مجاهدین تبریز به زعامت ستارخان و باقرخان با مجاهدین گیلان به رهبری سپهدار تنکابنی و مجاهدین بختیاری به فرماندهی علیقلی خان سردار اسعد و صمصام السلطنه تهران را فتح کردند و قشون محمدعلی شاه را شکست دادند. محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد و به همین دلیل از سلطنت خلع گردید.

دوران سلطنت احمدشاه قاجار (۱۲۸۸-۱۳۰۴ ه‍.ش)



پس از خلع محمدعلی شاه، پسر ۱۲ ساله‌اش احمد شاه هفتمین و آخرین پادشاه سلسله قاجاریه به سلطنت رسید و عضدالملک قاجار نایب السلطنه احمدشاه شد. عضدالملک ابتدا محمدولیخان سپهدار تنکابنی را به نخست وزیری انتخاب کرد (مهر ۱۲۸۸ ه‍.ش). سپس سپهدار یک دادگاه انقلابی برای محاکمه طرفداران محمدعلی شاه تشکیل داد. به حکم دادگاه انقلاب شیخ فضل الله نوری، صنیع حضرت، موقر السلطنه، مفاخرالملک، و میرهاشم اعدام شدند.

از دیگر حوادث این زمان قتل سید عبدالله بهبهانی بود. او در روز جمعه ۸ رجب ۱۳۲۸ ه‍.ق مطابق ۲۴ تیر ماه ۱۲۸۹ ه‍.ش توسط حیدر عموغلی و رجب سرایی در منزلش با شلیک چند گلوله به قتل رسید. حکومت سپهدار که متهم به سازش با محمدعلی شاه بود دیری نپایید، به همین علت او از نخست وزیری استعفا داد (۲۸ تیر ۱۲۸۹ ه‍.ش). پس از استعفای سپهدار میرزا حسن خان مستوفی الممالک به نخست وزیری احمدشاه برگزیده شد (۲۹ تیر ۱۲۸۹ ه‍.ش). او یازدهمین رئیس الوزرای مشروطه بود. در این زمان برای دلجویی ستارخان و باقرخان مجاهدین تبریزی، قرار شد ماهیانه چهارصد تومان به ستارخان و سیصد تومان به باقرخان داده شود.

در ماه رمضان ۱۳۲۸ ه‍.ق عضدالملک قاجار نایب السلطنه احمدشاه درگذشت و به جای او ناصر الملک نایب السلطنه شد. در زمان صدرات مستوفی الممالک برای سر و سامان دادن به وضع مالی و اقتصادی ایران لایحه استخدام مستشاران آمریکایی به تصویب مجلس رسید و پس از آن مستوفی الممالک ظاهراً به علت بیماری از کار کناره گیری کرد (۱۷ اسفند ۱۲۸۹ ه‍.ش). بعد از کنار رفتن مستوفی الممالک وکلای مجلس مجدداً سپهدار تنکابنی را به نخست وزیری انتخاب کردند (۱۸ اسفند ۱۲۸۹ ه‍.ش). اولین اقدام سپهدار توقیف روزنامه‌های مخالف دولت بود.

در همین ایام مستشاران آمریکایی که ۱۷ نفر بودند به ریاست شوستر وارد ایران شدند و لایحه اختیارات خود را به دولت تسلیم کردند. لیکن سپهدار آن را سلب اختیار از خود دانست و با تصویب آن لایحه موافقت نکرد. اما مجلس لایحه را به تصویب رسانید.

از اقدامات بدی که سپهدار انجام داد، تقدیم لایحه حکومت نظامی در ایران بود. او باب تازه‌ای برای دولت‌های مستبد باز کرد. با تصویب این قانون بعدها برای خفه کردن صدای آزادی خواهان و شکستن قلم روزنامه نگاران، لطامات بدی به مردم وارد شد.

سپهدار در این زمان که سرگرم پنجه نرم کردن با مشکلات کشور بود محمدعلی میرزا، شاه مخلوع ایران به اتفاق دو برادرش سالارالدوله و شعاع السلطنه با مقادیر زیادی اسلحه و پول وارد

ایران شدند و به طرف تهران حرکت کردند. مشروطه خواهان و نمایندگان مجلس از قیام شاه مخلوع سخت مضطرب شدند و به تلاش و تکیاؤ افتادند و در یک جلسهٔ محرمانه بالاتفاق، نظر دادند که میان سپهدار و محمدعلی میرزا سازش شده است. ناصرالملک هم سپهدار را بر کنار کرد و صمصام السلطنه بختیاری را به نخست وزیری برگزید (۲ مرداد ۱۲۹۰ هـ.ش). صمصام السلطنه به اشارهٔ ناصرالملک وزرای کابینه خود را از اشخاص تحصیل کرده انتخاب کرد. در کابینهٔ او وثوق الدوله وزیر خارجه و قوام السلطنه وزیر داخله و مشیرالدوله وزیر عدلیه (دادگستری) و حکیم الملک وزیر مالیه (دارایی) و خود او وزیر جنگ بودند.

صمصام السلطنه طی یک اعلامیهٔ رسمی متذکر شد: که هرکس محمدعلی میرزا را دستگیر کند مبلغ یکصد هزار تومان و اگر سالارالدوله و شعاع السلطنه را دستگیر کند به ازای هر یک، بیست و پنج هزار تومان جایزه خواهد گرفت. صمصام السلطنه سپاهی مرکب از بختیاری‌ها و مجاهدین مشروطه و قزاقها تدارک دید و به مقابله با محمدعلی شاه فرستاد و در اولین برخورد، رشید السلطان فرمانده قوای محمدعلی میرزا کشته شد. قوای دولتی هم به فرماندهی سردار بهادر و یپرم‌خان به مقابله با قوای محمدعلی شاه بسیج شدند. تیراندازان بختیاری و مجاهدین مشروطه خواه، از جان گذشتگی به خرج دادند، مخصوصاً در مسلسل‌هایی که در اختیار نیروی قزاق قرار داشت و یکی از آنها در دست رضاخان سوادکوهی بود، کار دشمن را یکسره کرد و قوای محمدعلی شاه پس از ۲۴ ساعت از قوای دولتی شکست خورد و فرمانده قشون او رشیدالدوله زخمی و دستگیر و اعدام شد. سالارالدوله و شعاع السلطنه نیز فرار نموده و به اروپا رفتند.

در این زمان مورگان شوستر برای املاک سالارالدوله و شعاع السلطنه که بدهی مالیاتی داشتند اجرائیه صادر کرد و املاک آنها را تصرف نمود. اما نماینده روسیه تزاری متذکر شد که املاک تصرف شده در گرو بانک استقراضی روسیه است و دولت ایران حق توقیف آنها را ندارد. ضمناً چند قزاق روسی در املاک شعاع السلطنه مستقر شدند و ژاندارم‌ها آنها را خلع سلاح نمودند. سپس سفارت روسیه نیز خواستار اخراج مورگان شوستر از ایران شد. مجلس اولتیماتوم روسیه را رد کرد اما قوای روسیه در چند شهرستان دست به اقدامات وحشیانه‌ای زدند. از جمله در تبریز عده‌ای را با نفت و بنزین آتش زدند و دسته‌ای را در تنور آتش سوزاندند و میرزا علی آقا ثقة الاسلام تبریزی مجتهد بزرگ را دستگیر و به اتفاق هفت نفر به دار زدند. همچنین در اوایل سال ۱۲۹۱ شمسی سالدات‌های روسی در مشهد، گنبد و گلدسته‌های بارگاه حضرت رضا را به توپ بستند و خزانهٔ حضرت را به غارت بردند و عده زیادی از زائرین در حدود دویست نفر را به شهادت رساندند. از حوادث دیگر حکومت صمصام السلطنه اینکه مجدداً سالارالدوله به ایران حمله کرد. صمصام السلطنه نیز عبدالحسین میرزا فرمانفرما (شوهر خواهر سالارالدوله) را همراه با یپرم خان به

کرمانشاه فرستاد. در این جنگ هم سالارالدوله شکست خورد و متواری شد ولی پیرم خان به قتل رسید.

صمصام السلطنه پس از یک سال و نیم در ۱۵ دی ۱۲۹۱ هـ از کار کناره گیری کرد و علاءالسلطنه به جای او نخست وزیر ایران گردید. علاءالسلطنه در دوران ریاست وزرائی خود بسیاری امتیازات رایگان به بیگانگان از جمله روس و انگلیس ارزانی داشت، مانند: امتیاز راه آهن جلفا به تبریز و امتیاز استفاده از میادین طرفین راه را تاده فرسنگ به روسیه و امتیاز راه آهن بندر محمره تا خرم آباد را به هم انگلیسی ها داد.

در زمان صدارت علاءالسلطنه، احمدشاه به سن قانونی رسیده بود و علاءالسلطنه برای مخارج تاجگذاری احمدشاه از دولت انگلستان تقاضای وام کرد و به اشاره آن دولت بانک شاهی مبلغ یکصد هزار لیره در اختیار دولت ایران قرار داد که قسمتی از آن هم بابت حقوق معوقه و هزینه سفر به ناصر الملک داده شد. چند روز بعد (۱۳۳۲ هـ) هم احمدشاه تاجگذاری کرد.

در سال ۱۹۱۴ میلادی (مطابق رمضان ۱۳۳۲ هـ) جنگ جهانی اول در اروپا شروع شد و علاءالسلطنه هم پس از آن همه جانب و خرابکاری به علت مشکلات فراوان استعفا داد. احمدشاه هم مستوفی الممالک را به ریاست وزرائی انتخاب کرد (مرداد ۱۲۹۳ هـ). مستوفی در جنگ اعلام بی طرفی نمود. اما با این همه سپاه دولت عثمانی داخل خاک ایران شد و تبریز و ارومیه به تصرف آنان در آمد. قشون دولت روسیه نیز برای مبارزه با عثمانی ها به داخل ایران نفوذ کرده در آذربایجان با قشون عثمانی به جنگ پرداخت که عده ای از اهالی آذربایجان به قتل رسیدند و اموال بسیاری به غارت رفت. از طرف دیگر قشون دولت انگلیس هم بندر بوشهر و محمره و چند بندر ایران را به تصرف خود درآورد و چندی بعد قوای آلمان هم وارد ایران شدند و تقریباً خاک کشور ایران عملاً به یکی از جبهه های جنگ تبدیل شد. بنابراین کابینه مستوفی هم که نتوانست بر مشکلات جنگ فائق آید، پس از هفت ماه در اسفند ۱۲۹۳ هـ استعفا داد.

احمدشاه نظر مجلس را در انتخاب نخست وزیر آینده خواست که وکلا به اتفاق آراء میرزا حسن خان مشیرالدوله را به نخست وزیری برگزیدند (۲۲ اسفند ۱۲۹۳ هـ).

در این زمان شوستر آمریکایی از ایران رفته و ناصر الملک، مرنارد بلژیکی را به جای او برگزیده بود و مرنارد دیکتاتور مالی ایران شد و اعتنایی به دولت نداشت. مشیرالدوله هم طی لایحه ای اخراج و انفصال او را از مجلس درخواست کرد و مجلس هم این مهم را انجام داد. مشیرالدوله در این زمان مذاکرات خود را برای تخلیه کشور از قوای روس و انگلیس شروع کرد ولی آنها احساس نمودند که رئیس دولت نسبت به متحدین جنگ (آلمان و عثمانی) علاقه مند است، لذا تحریکات علیه کابینه او آغاز شد و توجه آنان به نخست وزیری سعدالدوله بود. بنابراین وقتی مشیرالدوله از

اقدامات پنهانی سفارتین آگاه شد از ریاست دولت کناره گیری کرد. مدت رئیس الوزرای او پنجاه روز به طول انجامید (۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۴ ه.ش).

احمدشاه هم که جوانی بی اراده و سست عنصر بود، بر اثر فشار دو دولت روس و انگلیس حکم ریاست وزرای سعدالدوله را صادر نمود. در این موقع سفارتین آلمان و عثمانی برای حفظ منافع خودشان در ایران در مقابل روس و انگلیس، دست به فعالیت زدند و به ملاقات احمدشاه رفتند و متذکر شدند که دولت ایران باید برای تمام دول، بی طرف باشد، اما در این موقع شخصی را به ریاست وزرای انتخاب کرده که وابسته به دولتین روس و انگلیس است و تهدید به قوه قهریه کردند. احمدشاه از مجلس کمک خواست. موتمن الملک و سیدحسن مدرس و سید محمد صادق طباطبایی و سلیمان محسن، شاه را وادار کردند که سعدالدوله را از نخست وزیری عزل کند. بدین ترتیب سعدالدوله در نوبت دوم نخست وزیری خود حتی یک روز هم رئیس دولت نبود.

بنابراین مجلس سوم در یک جلسه خصوصی سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله را به نخست وزیری برگزید (۱۲ اردیبهشت ۱۲۹۴ ه.ش). در این زمان قوای عثمانی در آذربایجان از قوای روس شکست خورد و آذربایجان از قوای بیگانه تخلیه گردید. کابینه عین الدوله در بحرانی ترین ایام جنگ جهانی اول قریب صد روز بر سر کار ماند و به علت وضع نامساعد کشور، موفق به انجام هیچ کاری نشد. غالب مورخین، عین الدوله را چهره‌ای دیکتاتور، قسی القلب، خشن و سخت گیر و مخالف آزادی و قانون معرفی کرده‌اند، اما در مقابل اشاراتی به محاسن او نکرده‌اند. اما در هر صورت او مردی وطن پرست بود و اگرچه دوران زمامداریش خیلی کوتاه و حدود ۳ ماه بود، اما با عقل و احتیاط عمل کرد و کابینه خود را از افراد مشروطه خواه تشکیل داد. ولی دموکرات‌های مجلس به رهبری سلیمان محسن با او مخالفت می‌کردند و در مجلس او را زیر سوال می‌بردند. عاقبت عین الدوله با ناراحتی از مجلس خارج شد و گفت بروید به فکر رئیس الوزاری دیگر باشید و یکسره به کاخ فرح آباد رفت و استعفای خود را به احمد شاه داد (۱۱ تیر ۱۲۹۴ ه.ش).

پس از آن احمدشاه با اشاره وکلای مجلس، مستوفی الممالک را به نخست وزیری انتخاب کرد (۲۱ تیر ۱۲۹۴ ه.ش). در کابینه او سپهدار تنکابنی وزیر جنگ شد. در این زمان روس‌ها باز هم به خاک ایران تجاوز کردند و بخش عظیمی از شمال قزوین را به تصرف در آوردند و نام آنجا را ارس‌آباد نهادند. سپهدار تنکابنی و صمصام السلطنه با سفیر روس و انگلیس مشغول مذاکره شدند و آنان قول دادند که قوای آنها به طرف تهران نخواهد آمد. اما با این همه دولت مستوفی الممالک که در مظان اتهام همکاری با آلمان‌ها قرار گرفته بود، پس از شش ماه از کار کناره گیری کرد (۱۱ دی ۱۲۹۴ ه.ش).

در این موقع احمدشاه با اشاره مجلس میرزا عبدالحسین خان فرمانفرما، داماد مظفرالدین شاه را که سی سال انتظار این پست را می‌کشید به رئیس الوزرای برگزید (۲۱ دی ۱۲۹۴ ه.ش) و

اوضاع آشفته و درهم برهم کشور را به او سپرد. کشوری که در اشغال قوای خارجی‌ها بود و قحطی سراسر آن را فراگرفته و هر روز عده زیادی از گرسنگی می‌مردند. بنابراین فرمانفرما تاب این مشکلات را نیاورد چرا که کاری هم از او بر نمی‌آمد و بعد از دو ماه استعفا داد (۱۰ اسفند ۱۲۹۴ ه‍.ش).

پس از استعفای فرمانفرما، بار دیگر نوبت به سپهدار تنکابنی (سپهدار اعظم) رسید (۱۰ اسفند ۱۲۹۴ ه‍.ش). در این زمان اوضاع داخلی ایران بسیار آشفته و درهم بود. مستخدمین دولتی و افراد نظامی به علت نبودن پول در خزانه دولت چند ماه بود که حقوق نگرفته و عده‌ای در سفارت روس متحصن شده بودند. اوضاع مالی ایران در آن اوقات از هر زمانی بدتر بود. سپهدار از دولت انگلیس قرض خواست و آنان شرط را بر این قرار دادند که نظارت بر مالیه و قشون ایران به آنها سپرده شود. سپهسالار هم با این شرط موافقت کرد و در حقیقت همین موضوع پایه و اساس قرارداد منحوس ۱۹۱۹ میلادی بود که وثوق الدوله آن را با انگلیسی‌ها امضا نمود ولی به مرحله عمل نرسید.

سپهدار تنکابنی در این باره می‌نویسد: «به هر حال برای آبادی و امنیت نظام و آسایش عمومی مجبور به این قرض شدم اگرچه بعضی نادان‌ها، نفهم‌ها، حرف‌ها می‌زنند و نمی‌دانند غیر از این ترتیب چاره‌ای نیست». با وجود همه این مخالفت‌ها سپهدار به چنین پیشنهادی از طرف انگلیسی‌ها تسلیم شد ولی زیر امضاء خود نوشت: «به واسطه غوراس ماژور، امضا می‌کنم». کابینه سپهدار هم دوامی نکرد و پس از سه ماه سقوط نمود (۱۰ خرداد ۱۲۹۵ ه‍.ش).

پس از استعفای سپهدار تنکابنی، از طرف احمدشاه، میرزا حسن خان وثوق الدوله به نخست وزیری رسید (۲۲ مرداد ۱۲۹۵ ه‍.ش). در آن تاریخ کشور ایران در نهایت آشفته‌گی و فقر و فلاکت بود و قسمت اعظم آن در اشغال نیروهای بیگانه قرار داشت. قحطی هر روز عده زیادی را از پای در می‌آورد. وثوق الدوله پس از یک هفته انبوهی از مشکلات در مقابل خود دید، ولی با پشتکار با همکاران خود با جدیت مشغول کار شدند.

اولین مشکلی که در اول این کابینه وجود داشت موجودیت کمیته مجازات بود که با اعلامیه و شب نامه، عده‌ای از رجال و معاریف را تهدید به قتل می‌کردند. اولین کسی که ترور شد میرزا اسماعیل خان، مدیر انبار غله دولتی بود. پس از آن میرزا عبدالمجید خان متین السلطنه مدیر روزنامه عصر جدید در دفتر کار خود به قتل رسید. بسیاری از رجال از ترس با دولت همکاری نمی‌کردند. وثوق الدوله افراد کمیته را شناسایی و دستگیر کرد و دیگر در زمان او ترور دیگری انجام نگرفت.

در ایامی که وثوق الدوله با مشکلات داخلی در زد و خورد بود، در روسیه تزاری انقلاب شد و دولت بلشویکی بر سر کار آمد. وثوق الدوله هم سید ضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد را با

هیأتی به روسیه فرستاد تا از اوضاع آنجا با خبر شود. رسیدن اطلاعات سید ضیاء به دولت موجب شد امتیازها و قراردادهای زیادی را که روس‌های تزاری در ایران به دست آورده بودند، لغو گردد. سرانجام وثوق الدوله هم پس از ۸ ماه زمامداری و یک سلسله کارهای مفید در مقابل مشکلات تاب نیاورد و استعفا دهد (۸ خرداد ۱۲۹۶ ه.ش).

پس از برکناری وثوق الدوله، احمد شاه، میرزا محمد علی خان علاءالسلطنه را که مردی پیر و ناتوان و در آستانه ۹۰ سالگی بود به نخست وزیری برگزید (۲۵ خرداد ۱۲۹۶ ه.ش). در این زمان به علت جنگ جهانی اول، قحطی در ایران بیداد می‌کرد و علاءالسلطنه ناچار ده هزار خروار برنج تهیه کرده و هر روز سی خروار آن را در شش منطقه تهران دم پختک نموده به فقرا و محتاجین می‌داد. از طرف دیگر به علت ضعف قوای مرکزی، ناامنی و راهزنی در اغلب شهرهای ایران شیوع یافته بود. بنابراین رفع مشکلات و سر و سامان دادن به اوضاع ایران کار یک نخست وزیر پیر نبود. مردم از گرسنگی در گوشه و کنار خیابان می‌مردند و بالاخره عده‌ای به تظاهرات پرداخته و شعار ما نان می‌خواهیم را سر دادند و دسته‌ای از جنوب شهر به سرکردگی یکی از روحانیون به نام حاج سید مصطفی قنات آبادی محل نخست وزیری را اشغال کردند و با فریادهای بلند عزل علاءالسلطنه را خواستار شدند. علاءالسلطنه هم مجبور به استعفا گردید (۲۵ آبان ۱۲۹۶ ه.ش).

پس از استعفای علاءالسلطنه، احمدشاه با نظر مجلس عین الدوله را به نخست وزیری انتخاب کرد (۲۶ آبان ۱۲۹۶ ه.ش). عین الدوله هم پس از چند روز کابینه خود را که قوی ترین کابینه دوران مشروطه لقب گرفته، به مجلس معرفی کرد و از مجلس درخواست نمود تا جلسه‌ای مشورتی از رجال و بزرگان و روحانیون تشکیل شود و مسائل و نابسامانی‌های مملکت مورد بررسی قرار گیرد. این جلسه هم با حضور پنجاه نفر از بزرگان تشکیل شد.

اولین مشکل کابینه عین الدوله جنبش و اعتراض دموکرات‌های آذربایجان به زعامت شیخ محمد خیابانی و میرزا اسماعیل نوبری بود. آنان انتخاب چند وزیر را بهانه قرار داده و عزل آنها را از عین الدوله تقاضا داشتند. عین الدوله در پاسخ اعلامیه آنان جواب سردی داد و به کار خود مشغول شد. از اقدامات بجای عین الدوله برقراری و اصلاح کار نان و کمبود آن بود و به وی اختیار داد تا با گرو گذاشتن املاک شخصی نخست وزیر، از بانک شاهی وامی تهیه کند و اختصاص به خرید گندم بدهد. خود نخست وزیر هم شخصاً در تقسیم نان بین افراد بی بضاعت و مستحق شرکت می‌کرد. اما به علت اخلاف از طرف رئیس اداره مالی تهران که از مخالفان سیاسی عین الدوله بود، وضع بهتر نشد، عین الدوله هم دستور داد، آن اخلاف گر را در حضور مردم توسری زدند و این مجازاتی بود بس تحقیر آمیز که کمتر در مورد گناهکاران اجرا می‌شد.

بالاخره عین الدوله با خزانه تهی و اشغال ایران از طرف نیروهای بیگانه و نغمه‌های مخالف روزنامه نگاران که او را به کناره گیری دعوت می‌کردند، نتوانست کار مهمی انجام دهد. به خصوص

که افراد کابینه او هم با یکدیگر هم آهنگی نداشتند، بنابراین عین الدوله در ۲۵ دی ۱۲۹۶ ه‍.ش استعفا داد.

پس از کناره گیری عین الدوله احمدشاه برای بار چهارم میرزا حسن خان مستوفی الممالک را به نخست وزیری برگزید (۲۶ دی ۱۲۹۶ ه‍.ش). اولین اقدام مستوفی انتخاب قوام السلطنه به والی گری خراسان بود که از زمان کامران میرزا نایب السلطنه، این استان در نهایت ناامنی به سر می برد. سپس حاج محتشم السلطنه اسفندیاری را به عنوان پیشکار ولیعهد به آذربایجان فرستاد تا مشکلات سرحدی ایران را با دول مجاور حل و فصل کند. اما در همان روزهای نخستین، قوای قزاق روسیه دست به یک سلسله اعمال مخالف انسانی زدند. شهرهای مختلف آذربایجان و همدان و سنندج را به آتش کشیدند. مغازه ها و خانه های مردم را غارت کردند و دست به کشتار وسیعی زدند و عده ای از متمکین را ترور نمودند.

در آن زمان که بحبوحه جنگ جهانی اول بود، تمام مشکلات کشور ناشی از اشغال مملکت توسط نیروهای روس و انگلیسی به وقوع می پیوست. اما در همان اوقات اوضاع داخلی روسیه متحول شده و دولت بلشویکی روی کار آمده بود. بنابراین برآوینه اولین فرستاده لنین وارد تهران شد و عنوان کرد که تمام قراردادهای روسیه تزاری با ایران لغو خواهد شد و یک معاهده شرافتمندانه با ایران امضا خواهد کرد که این موضوع به حکومت مستوفی جان تازه ای بخشید. اما از طرف دیگر کارشکنی های دولت بریتانیا به زیان دولت مستوفی بود، بنابراین او در ۱۸ اردیبهشت ۱۲۹۷ ه‍.ش استعفا داد.

احمدشاه پس از چند روز مطالعه، صمصام السلطنه بختیاری را با نظر مجلس به نخست وزیری انتخاب کرد. (۱۸ اردیبهشت ۱۲۹۷ ه‍.ش). زمامداری صمصام السلطنه مصادف بود با خاتمه جنگ جهانی اول. اما در ایران هنوز کمبود مواد غذایی، قحطی، خشکسالی و بیماری حصه و مالاریا مردم را به وحشت انداخته بود. صمصام السلطنه اغلب مقامات دولتی را به بختیاری ها داده بود. بنابراین چند نفری از وکلا چون سید حسن مدرس، محمدرضا مساوات، شیخ محمدحسین یزدی، سید محمد صادق طباطبایی و سلیمان محسن در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند و کم کم عده زیادی به آنها پیوستند. صمصام السلطنه بدون آگاهی و خودسرانه اقداماتی انجام داد که موجب ناراحتی احمد شاه شد و گرچه بعضی از آنها مثل لغو کاپیتولاسیون موفقیت آمیز بود، اما روزنامه ها حمله به نخست وزیر را شروع کردند و احمدشاه هم به او تکلیف استعفا کرد، اما صمصام السلطنه نپذیرفت و شاه هم او را در ۲۶ تیر ۱۲۹۷ ه‍.ش از نخست وزیری خلع کرد.

در این اوقات اوضاع و احوال عمومی کشور و آشفتگی و هرج و مرج و ناامنی در سراسر مملکت و خالی بودن خزانه، ایجاب می کرد که شخص مقتدر و تصمیم گیرنده ای زمام امور کشور را در دست گیرد. بنابراین در آن ایام تیره و تار تمام توجهات وکلا معطوف به وثوق الدوله شد. احمدشاه

هم مجدداً میرزا حسن خان وثوق الدوله را به نخست وزیری برگزید. اولین اقدام دولت، دستگیری اعضاء کمیته مجازات بود. از اقدامات دیگر وثوق الدوله سرکوبی گردنکشان و یاغیان امثال رجبعلی در اصفهان و گلپایگان و رضا جوزانی و جعفر قلی، ظفر نظام و شجاع نظام بودند که در اطراف یزد و اصفهان و کرمان به غارت و راهزنی مشغول بودند و عاقبت دستگیر و اعدام شدند. سپس دولت متوجه نایب حسین کاشی و پسرش ماشاءالله خان شد که در اطراف راه‌های قم و کاشان و کرمان و یزد به غارت و چپاول اموال مردم مشغول بودند. بالاخره آنها را در کاشان دستگیر کردند و با ۲۰ نفر از یارانشان به تهران آورده و در میدان توپخانه، به دار زدند. احمدشاه به پاس خدمات وثوق الدوله یک سنجاق الماس گرانبها به سینه او نصب کرد.

در همان اوقات، وثوق الدوله متوجه نهضت میرزا کوچک خان جنگلی شد و سردار معظم عبدالحسین تیمور تاش را حکمران گیلان کرد و او عده‌ای از جنگلیان و یاران کوچک خان را قبل از محاکمه تیرباران نمود. در این موقع (ژانویه ۱۹۱۹ میلادی) کنفرانس صلح پاریس پس از پایان جنگ بین‌المللی اول در کاخ ورسای فرانسه تشکیل یافت و وثوق الدوله برای جبران خسارات مالی که در نتیجه جنگ عاید ایران دیده بود با درخواست‌های ایران مخالفت می‌کرد. بنابراین مأموریت این هیئت با شکست روبه رو شد، در این موقعیت احمدشاه مانند اجداد خود تصمیم گرفت به کشورهای اروپایی سفر کند. بنابراین دولت انگلستان موقع را مناسب شمرد و برای امضاء قرارداد ۱۹۱۹ میلادی از احمدشاه دعوت به عمل آورد و شاه در مرداد ۱۲۹۸ هـ ش مسافرت خود را از راه عثمانی به اروپا آغاز کرد و در عثمانی با پدرش محمدعلی شاه ملاقات نمود و از راه فرانسه به انگلستان رفت. در لندن پذیرایی شاهانه‌ای از او به عمل آمد. انگلیسی‌ها سعی داشتند رضایت و موافقت احمدشاه را در عقد قرارداد ۱۹۱۹ م جلب کنند، اما احمدشاه زیر بار نرفت. مسافرت احمدشاه مجموعاً ده ماه طول کشید.

قرارداد ۱۹۱۹ م ایران و انگلیس (۱۱ ذیقعد ۱۳۳۷ هـ ق)

این قرارداد شوم بین انگلیس و ایران توسط وثوق الدوله منعقد شد که در آن دو نفر از وزرای کابینه وثوق الدوله، (صارم الدوله و نصرت الدوله) نیز دست داشتند و مبلغ چهارصد هزار تومان از طرف انگلیسیها بین آن سه نفر تقسیم شده بود.

در آن زمان طراح سیاست استعمارگری انگلستان لرد کرزن بود. در این قرارداد اختیار کلیه امور مالی و نظامی و گمرکی ایران منحصراً به مستشاران انگلیسی سپرده می‌شد که اغلب وطن پرستان تحمل آن را نداشتند. همچنان که کلنل فضل الله خان آق اولی که یکی از افسران شرافتمند و وطن دوست ژاندارمری بود، نتوانست این ننگ را تحمل کند و با اسلحه خودکشی کرد. میرزاده

عشقی نیز مقالات و اشعار تکان دهنده‌ای در مورد این قرارداد در روزنامه‌اش چاپ کرد و این قرارداد را سند فروش ایران به انگلستان دانسته و سروده بود:

خاکم به سر زغصه به سر خاک اگر کنم خاک وطن که رفت چه خاکی به سر کنم
آوخ کلاه نیست وطن، تا که از سرم برداشتند، فکر کلاهی دگر کنم

اما جامعه ملل که تازه تأسیس شده بود این قرارداد را به رسمیت نشناخت. وثوق الدوله که خود را مقابل اعتراض آزادی خواهان و مردم شرافتمند ایران دید، از معرکه کنار کشید و استعفا داد (۴ تیر ۱۲۹۹ ه.ش).

احمدشاه با نظر مجلس، میرزا حسن خان مشیرالدوله را به ریاست وزرایی انتخاب کرد (۷ تیر ۱۲۹۹ ه.ش). این کابینه با چند مشکل روبه رو بود. اول نهضت جنگلی‌ها در گیلان، دوم قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان و سوم لغو قرارداد ۱۹۱۹م. در مورد قرارداد ۱۹۱۹م مشیرالدوله آن را از اختیارات مجلس دانست. همچنین برای رفع غائله شیخ محمد خیابانی حاج مخبرالسلطنه هدایت را با سمت والی و اختیارات تام به آذربایجان فرستاد. خیابانی به عنوان اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹م وثوق الدوله و بعضی موارد دیگر عده‌ای را در تبریز دور خود جمع کرده و کم کم حکومت خود مختاری را ایجاد نموده و نام آذربایجان را آزادی ستان گذاشته بود. مخبر السلطنه ابتدا با او از در مسالمت درآمد، لیکن خیابانی زیر بار نرفت. بنابراین به قوای قزاق دستور تیراندازی داده شد و خیابانی که در منزلش سنگر گرفته بود، مقتول گردید.

نهضت جنگلی‌ها

کوچک خان جنگلی رئیس مجاهدین گیلان



میرزا کوچک خان جنگلی رئیس مجاهدین گیلان و مؤسس جمهوری گیلان بود که در اواخر جنگ بین‌الملل به علت نارضایتی از حکومت وقت به اتفاق جمعی اشخاص ناراضی بر ضد دولت علم طغیان برافراشت و رشت را گرفته و دولتی مستقل تشکیل داد و حتی اسکناس هم چاپ کرد. برای تأمین مخارج گروه خویش به مصادره اموال ثروتمندان پرداخت و سپس عازم فتح تهران گردید. اما در همین اوان بین یاران او اختلاف افتاد. بدین جهت رضاخان میرینج با فوج قزاق به مقابله با او شتافت. بعضی از یاران میرزا دستگیر و بعضی هم فرار کردند. میرزا که